

## تأثیر عدالت اجتماعی بر مهاجرت نخبگان

آرین قلی پور\*  
مهدی فتاحی  
علی پیران نژاد

### چکیده

بدون تردید می‌توان ادعا کرد که برای تحقق چشم انداز ۲۰ ساله کشور نیروی انسانی توانمند و متخصص نقشی حیاتی دارد؛ از این رو توجه به پدیده مهاجرت نخبگان وظیفه سیاستگذاران در همه سطوح و همه زمینه‌هاست. مقاله حاضر درصدد است تا اثرات ادراک عدالت اجتماعی را بر مهاجرت نخبگان مطالعه کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که حساسیت به عدالت در بین نخبگان جامعه بسیار بالاست. نتایج گواه این مطلب است که بین ابعاد عدالت اجتماعی؛ یعنی عدالت توزیعی، عدالت احساسی، عدالت رویه‌ای، عدالت مرادده‌ای و عدالت اطلاعاتی با مهاجرت نخبگان رابطه معنی داری وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** قصد مهاجرت نخبگان، عدالت توزیعی، عدالت احساسی، عدالت رویه‌ای، عدالت مرادده‌ای و عدالت اطلاعاتی.

### مقدمه

سرمایه‌های انسانی از اصلی‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها هستند و کمبود این سرمایه‌ها در کشورهای در حال توسعه، فرایند رشد و توسعه را عقب می‌اندازد [۱]. امروزه کاملاً پذیرفته شده است که ظرفیت‌های انسانی در هر کشوری عامل اساسی توسعه پایدار بوده و آموزش عنصر کلیدی ایجاد این ظرفیت‌هاست. بنابراین افراد آموزش دیده و ماهر، برای غلبه بر مشکلات، به ویژه در کشورهای در حال توسعه اهمیتی حیاتی دارند. تئوری‌های جدید اقتصادی با برجسته کردن اقتصاد دانش محور، موفق‌ترین اقتصاد در آینده می‌باشد که به تولید و توزیع دانش پردازد و از آن به صورت تجاری بهره‌برداری کند. از این رو این تئوری‌ها، نقش سرمایه‌های انسانی را در وضعیت کشورها عنوان نموده‌اند. [۲]. از جمله مواردی که سبب از دست رفتن سرمایه‌های انسانی کشورهای در حال توسعه می‌گردد، مهاجرت نخبگان به کشورهای توسعه یافته می‌باشد

که در این مقاله به عنوان پدیده مهاجرت نخبگان مورد مطالعه قرار گرفته است. خروج افراد آموزش دیده با تحصیلات بالا اهمیت زیادی برای کشورهای در حال توسعه دارد چراکه این افراد کارهایی را انجام می‌دهند که برای توسعه کشور بسیار حیاتی است؛ اقداماتی همچون تحقیقات بنیادین، نوآوری، تبدیل تحقیقات و نوآوری‌ها به ایده‌های قابل بهره‌برداری و ایجاد ظرفیت برای دیگران از طریق پرورش افراد حرفه‌ای کلیدی مانند معلمان، پزشکان و دانشمندان [۲].

دغدغه اصلی کشور مبدأ در پدیده مهاجرت نخبگان از دست دادن نیروی انسانی زبده و متخصص و کند شدن روند پیشرفت و توسعه در همه ابعاد آن است؛ این امر بویژه در اقتصاد دانش محور حساسیت بیشتری می‌یابد زیرا که ذخیره کلی دانش فرد همزمان با وی از کشور خارج می‌شود. بنابراین امروزه شناسایی عوامل ایجادکننده فرار مغزها و تلاش برای از بین بردن آنها به یکی از دغدغه‌های مهم کشورهای در حال توسعه از جمله ایران تبدیل شده است. به دلیل نبود یا کمبود اطلاعات آماری دقیق در این زمینه مقاله حاضر درصدد است اهمیت توجه به مدیریت مهاجرت نخبگان را برای سیاست‌گذاران کشور واضح تر کند. در این مقاله کشور مبدأ یعنی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و اثرات این پدیده روی کشورهای مقصد مد نظر نیست. در همین راستا این مقاله قصد دارد تأثیر یک متغیر اجتماعی مهم یعنی عدالت اجتماعی را بر مهاجرت نخبگان مورد بررسی قرار دهد.

### مفهوم مهاجرت نخبگان

با این‌که در حدود نیم قرن از مطرح شدن واژه مهاجرت نخبگان می‌گذرد، هنوز تعریفی از آن که مورد قبول همه باشد وجود ندارد. معمولاً از دیدگاه

در دهه نود علاوه بر یک سری تغییرات سیاسی و اقتصادی در سراسر دنیا، سیاست‌های کشورهای مهاجرپذیر نیز در جهت بهبود شرایط جذب افراد تغییر کرد. در واقع کشورهای توسعه‌یافته از قبیل آمریکا به عنوان مقصد نهایی در وهله اول؛ و کانادا، استرالیا، فرانسه، انگلستان، آلمان در وهله دوم وارد نوعی رقابت بین‌المللی برای جذب نخبگان و مغزهای کشورهای جهان سوم شدند [۳]. در حال حاضر کشورهای توسعه‌یافته از یک سو به کشورهای در حال توسعه قول کمک در مبارزه با فقر و بیماری‌ها را می‌دهند و از سوی دیگر سعی در شکار مغزها<sup>۲</sup> و بهترین نخبگان این کشورها را دارند. شایان ذکر است که بعد از سال ۲۰۰۰ مهاجرت نخبگان فقط در مورد کشورهای در حال توسعه مطرح نیست، بلکه به کشورهای توسعه‌یافته نیز کشیده شده است. امروزه کشورهای توسعه‌یافته ثروتمند مانند ایالات متحده و انگلستان نخبگانی را از دیگر کشورهای توسعه‌یافته نظیر کانادا، ایرلند، آلمان و حتی سوئیس جذب می‌کنند. از این رو پدیده افزایش مهاجرت نیروی کار ماهر و آموزش‌دیده که به فقدان عظیم سرمایه‌های انسانی منجر می‌شود، به موضوع مهمی برای سیاست‌گذاران در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تبدیل شده است [۴].

### مهاجرت نخبگان و هزینه‌های آموزش

یکی از سرمایه‌هایی که با رفتن نخبگان از دست می‌رود، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش آنها است. علاوه بر این اگر سهمیه فرد مهاجر در دانشگاه به فردی اختصاص می‌یافت که در کشور می‌ماند، نقشی در توسعه کشور مبدأ ایفا می‌کرد. حتی هزینه‌زمان از دست رفته بین زمان فارغ‌التحصیلی و زمان مهاجرت نیز به هزینه‌های کشور مبدأ می‌افزاید. ملاحظه می‌شود که نهادهای آموزشی در کشورهای مبدأ یکی از عوامل زمینه‌ساز مهاجرت نخبگان هستند. هزینه‌های آموزش هم شامل هزینه‌های مستقیم آموزش می‌شود و هم درآمدهایی که طی مدت تحصیلی به صورت هزینه فرصت از دست می‌رود [۸]. یکی از مسائلی که ممکن است مهاجرت نخبگان را موجه جلوه دهد، بحث بیکاری افراد تحصیل کرده است. ایران کشوری است که تعداد

کشورهای در حال توسعه مهاجرت نخبگان را، مهاجرت دائم یا بلند مدت افراد ماهر که هزینه زیادی صرف آموزش آنها در کشور شده است، تعریف می‌کنند [۳].

در این تعریف مغز به هر نوع مهارت، شایستگی، یا ویژگی اطلاق می‌شود که به عنوان یک دارایی بالقوه در نظر گرفته شده است. فرار نیز دلالت بر نرخ خروج بیش از حد نرمال و مطلوب این مغزها دارد. ترکیب این دو بر مهاجرت قابل ملاحظه افراد با استعداد و آموزش‌دیده به کشورهای توسعه یافته دلالت دارد [۴].

سازمان بین‌المللی مهاجرت<sup>۱</sup> مهاجرت نخبگان را به عنوان یکی از مهاجرت‌های کاری دسته‌بندی کرده است. با توجه به این که افراد با مهارت بالا، دارای درجات تحصیلی و آموزش بالا هستند، سطح آموزش معیار تمایز مهاجرت نخبگان از دیگر مهاجرت‌های کاری می‌باشد [۵]. نکته قابل توجه آن است که به عقیده عده‌ای از محققان، مهاجرت نخبگان وقتی رخ می‌دهد که افراد ماهر برای مدت طولانی یا به صورت دائمی در کشور میزبان بمانند [۶]. نکته دیگر اینکه دو واژه بسیار ماهر و ماهر متفاوتند، افراد بسیار ماهر افرادی هستند که تحصیلات دانشگاهی بالایی دارند و در یک زمینه دانشگاهی خاص فعالیت می‌کنند. افراد ماهر به افرادی گفته می‌شود که تحصیلات متوسطه دارند. امروزه مهاجرت نخبگان علاوه بر مهاجرت افراد بسیار ماهر به مهاجرت افراد ماهر مثلاً حرفه‌ای‌هایی نظیر پرستاران و معلمان نیز اطلاق می‌شود.

واژه مهاجرت نخبگان (فرار مغزها)<sup>۲</sup> اولین بار برای توصیف مهاجرت مهندسان و دانشمندان انگلیسی به ایالات متحده در یکی از گزارش‌های جامعه سلطنتی لندن در سال ۱۹۶۳ به کار برده شد [۷]. تا پیش از جنگ جهانی دوم، مهاجران ماهر و آموزش‌دیده بسیار کمیاب بودند و بنابراین مهاجرت مغزها به عنوان یک مشکل عمومی مطرح نبود. ولی بعد از جنگ جهانی دوم که ایالات متحده آمریکا رهبری بی‌چون و چرای علوم غربی را به عهده گرفت و شروع به جذب دانشمندان برجسته اروپایی کرد، پدیده مهاجرت نخبگان به عنوان یک مساله بین‌المللی مطرح شد [۳]. امروزه با اینکه این مفهوم برای بیان مهاجرت افراد متخصص از هر کشوری به کشور دیگر به کار می‌رود ولی همچنان مقصد نهایی، ایالات متحده آمریکاست

و به طور کلی اثرات منفی آن بر جامعه، خط‌مشی‌ها و نهادهای اجتماعی [۱۰]. در مقابل این، عده‌ای از محققان عقیده دارند این نگرش که کشور مبدأ همه هزینه‌های آموزشی را متحمل می‌شود و کشور میزبان از مزایای نیروی انسانی تولید شده بهره می‌برد، الزام‌دراست نیست. شواهد نشان داده‌اند که بسیاری از این مهاجران پس از مهاجرت به ادامه تحصیل می‌پردازند و معمولاً بالاترین درجه تحصیلی‌شان را از کشور میزبان دریافت می‌کنند. بنابراین کشورهای میزبان نیز قسمتی از هزینه‌های آموزشی این افراد را متحمل می‌شوند [۱۱].

امروزه در مباحث مهاجرت نخبگان حتی صحبت از مفهوم دستاوردهای مغزی<sup>۴</sup> به میان می‌آید. منظور از این واژه مزایا و منافع ناشی از مهاجرت افراد نخبه برای کشورهای مبدأ می‌باشد. این محققان عقیده دارند که مهاجرت نخبگان کشورهای در حال توسعه، در نهایت منجر به افزایش سرمایه‌های انسانی این کشورها می‌گردد. عمده‌ترین عواملی که می‌توان به عنوان جبران‌کننده اثر منفی مهاجرت نخبگان بیان کرد عبارتند از: [۲].

– تشویق آموزش. این باور که در کشورهای توسعه یافته سطح درآمدها بالاتر است و نخبه‌ای که در یک کشور توسعه یافته کار کرده و برگشته است، درآمد بهتری دارد سبب می‌شود که انگیزه ارتقاء سطوح آموزشی در داخل کشور ایجاد شود.

– انتقال دانش و فن‌آوری. نخبگان بازگشته به کشور مادر به خاطر آموزش نخبگان<sup>۵</sup> می‌توانند منبعی برای انتقال دانش‌ها و فن‌آوری‌های جدید باشند. همچنین ممکن است مهاجران شبکه‌هایی بین کشور مادر و میزبان تشکیل دهند و از این طریق دانش و فن‌آوری را منتقل نمایند.

– فرستادن پول. اصلی‌ترین منفعت مهاجرت نخبگان مربوط به فرستادن مقادیر عظیم پول به کشورهای مبدأ می‌باشد. شواهد اساسی نشان می‌دهند که این عامل مهم است و اثرات جبرانی زیادی دارد و حتی در برخی کشورها این پول از منابع اصلی درآمد خارجی است.

## مهاجرت نخبگان از ایران

در حدود دویست میلیون نفر از مردم دنیا در کشوری غیر از کشور مادریشان زندگی می‌کنند. انتظار می‌رود این روند در دهه‌های بعدی افزایش یابد. بر اساس یک مطالعه تطبیقی [۱۲] درباره مهاجرت و

زیادی از افراد تحصیل کرده آن بیکارند. وقتی یک تحصیل کرده بیکار است، سرمایه صرف شده برای وی عملاً هدر رفته است هر چند هم که به کشور دیگری نرود. حال اگر مهاجرت نخبگان به کاهش بیکاری افراد تحصیل کرده کمک کند، شکی نیست که در ظاهر از هزینه‌های کشور می‌کاهد ولی باید در نظر داشت که معمولاً از بین افراد تحصیل کرده بهترین‌های آنها مهاجرت می‌کنند؛ از اینرو از این لحاظ هم نمی‌توان در بلندمدت ادعا کرد که کشور مبدأ به خاطر کاهش نرخ بیکاری، از پدیده مهاجرت نخبگان سود می‌برد. البته نباید از نظر دور داشت که هزینه‌های آموزش از مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسط تا پایان مقطع کارشناسی در کشورهای مختلف متفاوت است ولی به طور متوسط در حدود ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون ریال به ازای هر نفر برآورده می‌شود که این رقم در هر کشوری از درآمد سرانه، سطح عمومی قیمت‌ها و روش‌های برآورد تأثیر می‌پذیرد. علاوه بر این کشورهای در حال توسعه معمولاً از لحاظ نیروی انسانی ماهر و متخصص کمبود دارند. از اینرو مسأله بهره‌وری نیروی انسانی یک چالش اساسی در این کشورهاست. خروج متخصصین و کارآفرینان خود به خود در میان مدت و بلند مدت به بیکاری کارگران غیرماهر منجر می‌شود. وقتی افراد غیرماهر به جای متخصص، پستهای کشور را اشغال می‌کنند، مسأله عدم کارایی در تولید بسیار بارزتر می‌شود. خروج متخصصین علاوه بر نبود بهره‌وری، تأخیر در پیشرفت تکنولوژیکی را نیز به دنبال دارد. متخصصان و دانشمندان، نقش حیاتی در بهبود و توسعه کشور، از طریق فعالیت در خلق و توسعه دانش و علوم جدید و همچنین تغییر و بهبود تکنولوژی جامعه دارند و همچنین نقش مهمی در فرآیند توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند [۹].

## کارکردها و کژکارکردهای مهاجرت نخبگان

دیدگاه سنتی، عمدتاً بر جنبه‌های منفی مهاجرت نخبگان تأکید دارد. در این دیدگاه بیان می‌شود که به جز ضررهای ناشی از کاهش سرمایه‌های انسانی، کشورهای مبدأ ضررهای دیگری را نیز متحمل می‌شوند. مثلاً، کاهش بهره‌وری نیروی کار داخلی به دلیل عدم حضور نخبگان مهاجر در محیط‌های کاری و آموزشی، فقدان نظریه پردازان و دانشمندان تراز اول در سطح جهانی، فقدان نیروی کار مناسب در امر بهداشت و درمان

اصلی ترین دلیل این امر افزایش مؤسسات و مراکز آموزش عالی در این سالها بصورت دولتی و غیر دولتی می باشد، که میزان افراد تحصیل کرده ایران را به میزان زیادی افزایش داده اند.

۷۵٪ از کل مهاجران نخبه ایرانی به مقصد دنیای نو یا همان کشورهای آمریکا، کانادا و استرالیا مهاجرت می کنند. در اکثر کشورها نیز درصد مهاجرت نخبگان به آمریکا، کانادا و استرالیا بیشتر است. از لحاظ بازگشت مهاجران نخبه نیز ایران جزو کشورهایی است که نخبگان مهاجرش کمترین میل به بازگشت را دارند [۱۲].

### علل مهاجرت نخبگان

مهاجرت نخبگان پدیده ای مستمر بوده و مقطعی نیست. همین امر این موضوع را در سال های اخیر بسیار چالش برانگیز کرده است و سبب شده است تا شناسایی عوامل ایجاد کننده آن، جهت فهم بهتر این پدیده و اثرات آن بسیار مهم باشد. اگر حالت صادرات برنامه ریزی شده مغزها را در نظر بگیریم، عوامل ایجاد کننده مهاجرت نخبگان را می توانیم تحت عنوان عوامل دفع<sup>۷</sup> و عوامل جذب<sup>۸</sup> طبقه بندی کنیم:

عوامل جذب، عواملی هستند که اگر افراد تحصیل کرده و نیروی کار ماهر و آموزش دیده کشورهای در حال توسعه، وجود آن را در یک کشور دیگر ادراک کنند، جذب آن کشور خواهند شد. بنابراین این عوامل عمدتاً به ادراک افراد از شرایط کشور میزبان بر می گردد. عوامل دفع نیز عواملی هستند که اگر نخبگان تحصیل کرده و نیروی کار ماهر، فقدان آنها را در کشور مادری خود ادراک کنند، از شرایط ناراضی شده و به مهاجرت ترغیب می شوند. بنابراین این عوامل به ادراک افراد از شرایط کشور مبدا و مقصد بر می گردد. مهم ترین این عوامل دفع را می توان بر اساس نهادهای اجتماعی اولیه (خانواده، مذهب، اقتصاد، آموزش و سیاست) به پنج دسته تقسیم کرد [۱۳ و ۱۴]:

- عوامل مربوط به نهادهای خانوادگی؛ از قبیل نارضایتی از شرایط زندگی خانوادگی؛
- عوامل مربوط آسایش روانی برای دنبال کردن و نارضایتی از عقاید و تمایلات جامعه،
- عوامل مربوط به نهادهای اقتصادی؛ از قبیل فقر، بیکاری، سطح

مهاجرت نخبگان که گزارش آن توسط سازمان ملل منتشر شده است، کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا بر اساس یکسری معیارها با هم مقایسه شده اند. جهت روشن تر شدن وضعیت مهاجرت نخبگان ایران در مقایسه با این کشورها بعضی از آمارها ارائه می شود.

در جدول ۱، ستون اول میزان کلی مهاجرت از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به کشورهای پیشرفته (کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه<sup>۹</sup>)، در دو سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی را نشان می دهد. بر اساس این جدول، در سال ۲۰۰۰ بعد از ترکیه (حدود ۲ میلیون نفر) و مراکش (حدود ۱ میلیون نفر)، ایران و الجزایر با حدود ۵۰۰ هزار نفر بیشترین تعداد مهاجر را دارند.

ستون دوم درصد مهاجرت نخبگان را بر اساس سطح تحصیلات (متوسطه و دانشگاهی) در دو سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی مقایسه می کند. همانطور که مشاهده می شود ایران جزو چند کشور اول به لحاظ درصد بالای مهاجران با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در بین این کشورها می باشد. در همه این کشورها تعداد افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر است. دلیل این امر آن است که سیاست های مهاجرتی کشورهای پیشرفته در جهت جذب نخبگان دانشگاهی می باشد.

با مقایسه ستون اول و دوم می توان نتیجه گرفت که ایران به لحاظ تعداد مهاجران تحصیل کرده و ماهر نیز در میان این کشورها بعد از ترکیه دوم است. به لحاظ تعداد مهاجران تحصیل کرده و ماهر بر اساس ستون دوم در سال ۲۰۰۰، مهاجرت افراد تحصیل کرده ترکیه در حدود ۲۵٪ کل مهاجران یعنی در حدود ۵۰۰ هزار نفر (۲۵٪ × ۲۰۰۰۰۰) می باشد. پس از آن ایران در حدود ۸۵٪ یعنی ۴۲۵۰۰۰ نفر (۸۵٪ × ۵۰۰۰۰۰) دوم می باشد. این نتیجه با گزارش صندوق بین المللی پول که در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۸۴ در روزنامه ایران ذکر شد، مبنی بر اینکه مهاجرت نخبگان در ایران در بین ۶۱ کشور در حال توسعه، اول می باشد، همخوانی دارد.

ستون سوم میزان مهاجرت افراد تحصیل کرده دانشگاهی به عنوان درصدی از کل افراد تحصیل کرده دانشگاهی در آن کشور در دو سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی را مقایسه می کند. همان طور که ملاحظه می شود ایران بعد از لبنان قرار دارد. نکته دیگری که این ستون نشان می دهد کاهش این درصد در ایران در سال ۲۰۰۰ نسبت به ۱۹۹۰ می باشد. احتمالاً

درآمد کم، استانداردهای پایین زندگی، کمبود رفاه و به طور کلی شرایط معیشتی دشوار؛ عوامل شغلی، از قبیل نارضایتی شغلی، چالشی نبودن مشاغل و به طور کلی نیافتن شغل مناسب و مطابق با تخصص؛ عوامل طبیعی و شرایط محیطی و اکولوژیک نامناسب، از قبیل فقر منابع طبیعی؛ دانش و مهارت های جدید؛ عوامل مربوط به نهادهای آموزشی؛ ارتقا شایستگی ها، توسعه فردی و خود شکوفایی، از قبیل نبود فرصت برای استفاده از استعدادها، مهارت ها و شایستگی ها، فقدان فرصت برای ادامه تحصیل و کسب

جدول ۱- مقایسه مهاجرت نخبگان در کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا [۱۲]

کشور	سال	تعداد مهاجرین		درصد مهاجرت نخبگان به کل مهاجرین		درصد افراد دانشگاهی مهاجر به کل افراد دانشگاهی کشور	
		۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰
ایران		۲۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	۸۰	۸۵	۲۶	۱۵
اردن		۲۵۰۰۰	۵۰۰۰۰	۷۸	۸۵	۹	۷
اسرائیل		۱۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۸۲	۸۷	۹	۸
الجزایر		۴۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	۹	۲۳	۷	۱۰
امارات		۱۰۰۰	۱۲۵۰	۶۰	۸۵	.	۱
بحرین		۲۰۰۰	۴۵۰۰	۶۸	۷۹	۴	۵
ترکیه		۱۳۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	۲۴	۲۴	۸	۶
تونس		۱۹۰۰۰۰	۲۳۰۰۰۰	۲۰	۳۷	۱۸	۱۳
جیبوتی		۸۰۰	۱۵۰۰	۳۳	۵۳	۸	۱۲
سوریه		۸۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۶۳	۷۲	۸	۷
عراق		۱۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۶۶	۶۹	۸	۱۱
عربستان		۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰	۷۵	۸۷	۱	۱
عمان		۷۰۰	۱۲۰۰	۵۰	۷۹	۰	۱
قطر		۱۰۰۰	۱۵۰۰	۷۰	۸۵	۱	۲
کویت		۵۰۰۰	۱۲۰۰۰	۸۳	۹۰	۳	۷
لبنان		۲۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۶۵	۷۲	۴۵	۳۸
لیبی		۱۱۰۰۰	۱۲۰۰۰	۶۵	۷۹	۲	۲
مراکش		۸۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۲۳	۲۹	۲۱	۱۷
مصر		۱۷۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۷۵	۸۲	۶	۵
یمن		۹۰۰۰	۱۲۰۰۰	۵۵	۶۷	۵	۴

## مدل پنج بعدی عدالت اجتماعی

مباحثه درباره چیستی عدالت، همواره به عنوان یکی از محوری ترین سئوالات فلسفه سیاسی وجود داشته است [۱۵]. تحقیقات پیشین عدالت را در چهار بعد عدالت توزیعی، عدالت مراددهای، عدالت رویه‌ای و عدالت اطلاعاتی مفهوم‌سازی کرده‌اند [۱۶]، [۱۷]، [۱۸] و [۱۹]. در این تحقیق نگارندگان با توجه به پویایی این مفهوم، بعد پنجمی تحت عنوان عدالت احساسی را به منظور تبیین هرچه بهتر این مفهوم ارزشمند در مدل خود لحاظ کرده‌اند. در ذیل هر یک از ابعاد پنج‌گانه مدل تشریح می‌شود:

**عدالت توزیعی:** عدالت توزیعی اولین مفهوم عدالت بود که توسط روان‌شناسان اجتماعی مطالعه شد. عدالت توزیعی به ادراک عدالت نسبت به تخصیص منابع مربوط می‌شود. ادبیات عدالت توزیعی برگرفته از تئوری برابری آدامز [۲۰] است که مربوط به ادراک عدالت (انصاف) بر مبنای نسبت ستاده‌ها به داده‌ها می‌باشد. عدالت توزیعی می‌تواند به صورت درک عادلانه بودن دریافتی‌های یک نفر در مبادلات اجتماعی تعریف شود. مردم عادلانه بودن را بر اساس مقایسه داده‌ها و ستاده‌ها و همچنین مقایسه نسبت آنها با استانداردهایی که بر مبنای آن دریافتی می‌گیرند، درک می‌کنند. علاوه بر آن نخبگان وضعیت خود را با کشورهای دیگر مقایسه می‌کنند، یعنی مرجع مقایسه نخبگان الزاماً افراد درون کشور نیستند.

**عدالت احساسی:** با توجه به نادیده انگاشتن احساسات انسان در دهه‌های اخیر، امروزه بحث احساس در علوم انسانی جزء موضوعاتی است که علائق مطالعاتی زیادی را برانگیخته است. این مباحث هم شامل ابراز احساسات و هم شامل خواندن احساسات می‌شود. این بعد از عدالت بیان‌کننده تقسیم عادلانه احساسات (ابراز) و توجه به احساسات (خواندن) در بین آحاد مردم می‌باشد. نسبت به ابعاد دیگر عدالت این بعد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بدلیل ویژگی متمایز نخبگان به خاطر خود، انتظار می‌رود هوش احساسی این افراد بالاتر از افراد عادی باشد.

**عدالت رویه‌ای:** نتایج مطالعات حاکی از آن بود که افراد فقط به ستاده‌های خود عکس العمل نشان نمی‌دهند بلکه نسبت به رویه‌هایی که منجر به

ستاده‌هایشان می‌شود نیز عکس العمل نشان می‌دهند [۲۱]. عدالت رویه‌ای به ادراک عدالت نسبت به رویه‌های به کار رفته در اتخاذ تصمیم مربوط می‌شود؛ یعنی عدالت رویه‌ای به کیفیت و انصاف در روابط بین افراد، جامعه و دولت اشاره دارد. تحقیقات روی عدالت رویه‌ای [۲۲] و [۲۳] حاکی از آن است که ادراک بهتر از عدالت رویه‌ای منجر به پیامدهای مناسبی، مثل تعهد، تمایل بیشتر به باقی ماندن در کشور، سطح بالایی از عملکرد و رضایت شغلی می‌شود. با توجه به این مطالعات می‌توان این گونه نتیجه گرفت که هر چه ادراک عدالت رویه‌ای در بین افراد جامعه بیشتر باشد تعهد و وفاداری افراد به جامعه (مشارکت فعال در امور جامعه) بیشتر شده که در نهایت منجر به کاهش پدیده مهاجرت نخبگان می‌شود.

**عدالت مراددهای:** عدالت مراددهای به میزان رفتاری که با احترام و صداقت در تعاملات اجتماعی با مردم انجام می‌شود دلالت دارد [۲۳]، [۲۴] و [۲۵]. برخی از محققان پیشنهاد کرده‌اند که عدالت رویه‌ای باید از عدالت مراددهای مجزا شود. بعدها برخی دیگر بیان کردند که عدالت مراددهای از دو جزء عدالت بین فردی و عدالت اطلاعاتی، که هر کدام پیامدهای متفاوتی دارند تشکیل شده است [۱۹] و [۲۳].

**عدالت اطلاعاتی:** عدالت اطلاعاتی به تبیین رفتار کنشگران انتقال‌دهنده اطلاعات اشاره دارد. به طور کلی عدالت اطلاعاتی بیشتر بر بیانات و رفتارهای افرادی که نقش تصمیم‌گیرندگان را ایفا می‌کنند متمرکز است، تا اینکه بر ویژگی‌های سیستماتیک و یا ساختاری رویه‌ها و برون‌دادها متمرکز باشد [۲۲] و [۲۳]. عدالت اطلاعاتی بر این که تا چه اندازه اطلاعات در جامعه به لحاظ مکانی، زمانی و موقعیتی، عادلانه ارائه می‌شود، اشاره دارد.

## عدالت، مهاجرت و فرضیه تحقیق

ادراک نخبگان دانشگاهی از عدالت اجتماعی در تصمیم به مهاجرت موثر است. البته حساسیت به عدالت را می‌توان در همه اقشار جامعه دید ولی نخبگان جامعه نسبت به بی‌عدالتی حساس‌ترند. نخبگانی که احساس کنند، منابع کشور عادلانه توزیع نمی‌شود، احتمالاً میل بیشتری برای مهاجرت به کشوری با وضعیت بهتر خواهند داشت. برای مثال

گرفته است. حجم نمونه آماری براساس جدول مورگان حدود ۵۶۰ نفر برآورد شده بود که از ۶۰۰ پرسشنامه توزیع شده، ۵۹۳ پرسشنامه عودت داده شده است. نرخ بازگشت پرسشنامه ۹۸٪ بوده و نرخ پرسشنامه‌های کاملاً تکمیل شده ۹۵/۵٪ بوده است که نرخ بسیار رضایتبخشی است. از میان ۵۸۵ نفری که تحصیلات خود را ذکر کرده بودند، ۵۱/۳٪ (۳۰۴ نفر) دانشجوی کارشناسی، ۲۳/۹٪ (۱۴۲ نفر) دانشجوی کارشناسی ارشد و ۲۳/۴٪ (۱۳۹ نفر) دانشجوی دکتری (تخصصی و حرفه‌ای) بوده‌اند. همچنین میانگین سن پاسخ دهندگان ۲۲/۷ سال بوده است.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. بدین منظور به کمک تحلیل عاملی اکتشافی، یک مقیاس برای متغیر قصد و نیت مهاجرت نخبگان و یک مقیاس برای متغیر عدالت اجتماعی طراحی شد. در طراحی سوالات پرسشنامه دقت لازم بعمل آمده تا سوالات از سادگی و وضوح کافی برخوردار باشند. پرسشنامه اولیه مرکب از ۲۸ سوال بود، که پس از تحلیل عاملی اکتشافی ۳ سوال به علت بار عاملی کم حذف شده است. پرسشنامه براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از ۱ به معنای بسیار مخالفم تا ۵ به معنای بسیار موافقم تنظیم شده است. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس مهاجرت نخبگان، حدود ۸۶ درصد و مدل پنج بعدی عدالت ۹۱ درصد است که نشانگر قابلیت اعتماد ابزار تحقیق می‌باشد. جهت آزمون روایی سوالات از اعتبار محتوا (نظرات متخصصان، اساتید دانشگاهی و کارشناسان خبره) و اعتبار عاملی استفاده شد. برای آزمون اعتبار عاملی پرسشنامه نیز با کمک تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از نرم افزار لیزرل ۸/۵۳ انجام گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای مقیاس مهاجرت نخبگان  $(AGFI = 95.0 / GFI = 97.0 / X^2 = 42.91)$  و عدالت اجتماعی  $(AGFI = 91.0 / GFI = 94.0 / X^2 = 105.67)$  می‌باشد. مجموع این نتایج بیانگر آن هستند که پرسشنامه این تحقیق دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشد.

به منظور بررسی وجود ارتباط و نیز میزان آن، بین متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۲ منعکس گردیده است. به منظور سنجش رابطه علی که در فرضیه ذکر شده بود، از مدل سازی

تفاوت در پرداختهای کشور مقصد و مبدأ یکی از دلایل اصلی مهاجرت نخبگانست [۲۶]. نخبگانی که قصد خروج از کشور را دارند معمولاً احساس عادلانه بودن از پرداخت ندارند. در نظر آنها منابع به صورت عادلانه در کشور توزیع نمی‌شود. علاوه بر این، تصور می‌کنند که در کشور مقصد منابع عادلانه‌تر توزیع می‌شوند. نخبگانی که احساس کنند در جامعه به آنها توجه کافی نمی‌شود و احساسات آنها نادیده گرفته می‌شود و در واقع نوعی بی‌عدالتی احساسی را ادراک می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که برای برطرف کردن این حس آزاردهنده به کشور دیگری که فکر می‌کنند، در آنجا به آنها توجه بیشتری می‌شود، مهاجرت کنند. نخبگانی که فرآیندها و رویه‌های اتخاذ تصمیم‌ها و انجام امور کشورشان را عادلانه ارزیابی نمی‌کنند، احتمال بیشتری دارد که مهاجرت بکنند. نخبگانی که در تعاملات و مراودات خود با مدیران کشور، همکاران، دوستان و به طور کلی اطرافیانشان احساس عدالت نکنند، احتمال بیشتری دارد که برای رهایی از این وضع به کشوری که فکر می‌کنند بهتر است، مهاجرت کنند. نهایتاً در عصر اطلاعات و ارتباطات اگر نخبگان جامعه در دریافت و تبادل اطلاعات در کشورشان احساس بی‌عدالتی و نارضایتی داشته باشند، با توجه به اهمیت زیاد این مسأله، احتمال زیادی دارد که به فکر مهاجرت به کشوری با آزادی اطلاعاتی بیشتر بروند.

با توجه به این مباحث فرضیه تحقیق به صورت زیر بنا می‌شود:

ادراک عدالت اجتماعی با قصد مهاجرت نخبگان رابطه معنی دار و معکوسی دارد.

## روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق علمی است و روش انجام آن به صورت پیمایشی بوده است. متغیرهای عدالت توزیعی، عدالت احساسی، عدالت رویه‌ای، عدالت مرادده‌ای و عدالت اطلاعاتی به عنوان متغیرهای مستقل، و قصد و نیت مهاجرت به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. دانشجویان چهار دانشگاه تهران، صنعتی شریف، علوم پزشکی تهران و علوم پزشکی ایران جامعه آماری را تشکیل داده‌اند. دلیل انتخاب این دانشگاهها امکان آنها در رفتن به کشورهای خارجی در دهه‌های گذشته بوده است. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده صورت

معادلات ساختاری استفاده شد. با توجه به معنی دار بودن ارزش  $t$  فرضیه تأیید شد. علاوه بر این اعتبار و برازندگی مناسب مدل تأیید شد، چراکه مقدار کای دو، مقدار  $RMSEA$  کم بوده و نسبت کای دو به درجه آزادی در مدل کم تر از ۳ می باشد و نیز مقدار  $GFI$  و  $AGFA$  بالای ۹۰ درصد است. در قسمت بعدی ضرائب بدست آمده از مدل سازی معادلات ساختاری ذکر و روی آنها بحث می شود.

تأثیر را بر قصد مهاجرت نخبگان دارد.

جدول ۲- میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی اسپیرمن میان متغیر های تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مهاجرت نخبگان	عدالت اجتماعی	عدالت اداری	عدالت اقتصادی	عدالت فرهنگی	اطلاعاتی
مهاجرت نخبگان	۳,۳۱۷۹	۰,۴۷۵۷۴	۱					
عدالت اجتماعی	۲,۱۹۶۳	۰,۷۴۹۷۵	-۰/۴۵۷	۱				
عدالت اداری	۲,۰۱۲۷	۰,۶۵۷۸۴	-۰/۳۹۵	۰/۳۱۰	۱			
عدالت اقتصادی	۲,۱۴۲۸	۰,۶۸۵۱۲	-۰/۳۳۲	۰/۳۱۷	۰/۴۴۰	۱		
عدالت فرهنگی	۲,۴۳۲۱	۰,۵۶۳۲۰	-۰/۲۵۹	۰/۲۳۱	۰/۳۶۹	۰/۳۰۲	۱	
اطلاعاتی	۱,۶۶۲۱	۰,۴۵۹۰۳	-۰/۱۹۴	۰/۱۴۲	۰/۱۸۹	۰/۱۴۷	۰/۱۵۶	۱

همه ضرائب در سطح اطمینان ۹۹٪ معنی دار هستند.

### بحث و نتیجه گیری:

۶۶/۳ درصد اعضای نمونه عنوان کرده اند که قصد مهاجرت دارند البته شرایط مهاجرت برای همه این افراد فراهم نمی شود. علاوه بر تلاشهای درون مرزی، با توجه به اینکه منابع اداری برون مرزی (سفارتخانه ها و کنسولگری ها) تنها مکانهای رسمی هستند که نخبگان بعد از خروج از کشور از طریق آنان با کشور ارتباط رسمی برقرار می کند، در این مکانها نیز توجه به عدالت از اولویت بسیار بالایی برخوردار است تا از طریق این کانال زمینه بازگشت نخبگان فراهم گردد. در ادامه با در نظر گرفتن ادراک نخبگان از عدالت، جهت بهبود عدالت اجتماعی در کشور به تحلیل

نتایج این تحقیق ضرورت عدالت گستری در بین نخبگان علمی جامعه را گوشزد می کند. در این تحقیق همانطور که انتظار می رفت، رابطه معکوسی میان ادراک از عدالت اجتماعی و قصد خروج نخبگان از کشور (مهاجرت نخبگان)، مشاهده شد. بر اساس نتایج فرضیه تحقیق یعنی رابطه معنی دار و معکوس میان ادراک از عدالت اجتماعی و مهاجرت نخبگان تأیید می شود. ضریب همبستگی  $(R)$ ،  $-۰/۷۷$  - و در نتیجه ضریب تعیین  $(R^2)$   $۰/۶۰$  می باشد. این بدان معنی است که در حدود ۶۰٪ از



ابعاد عدالت پرداخته می‌شود.

عدالت توزیعی عینیت و حساسیت بسیار بالایی در امر مدیریت مهاجرت نخبگان دارد. میانگین ادراک عدالت توزیعی ۲/۱۹ از مقیاس ۵ نمره ایست و ضریب تعیین رابطه معکوس آن با قصد مهاجرت نخبگان در حدود ۴۰٪ است؛ یعنی نخبگان وضعیت موجود جامعه را از حیث تقسیم منابع مالی، فیزیکی و اجتماعی عادلانه نمی‌بینند و این امر تأثیر زیادی بر میل به مهاجرت آنها دارد. این افراد نمی‌توانند کم‌کاری کرده و داده‌ها یا عملکرد خود را به اندازه حقوق و مزایا و امتیازات دیگر کاهش دهند. از طرفی به خاطر عملکرد رسانه‌ها تصویر مثبتی از تقسیم منابع در کشور مقصد دارند. در چنین شرایطی راه حل مهاجرت خیلی راحت به ذهن می‌رسد؛ یعنی قصد و نیت فرار در ذهن شکل می‌گیرد و در صورت وجود بقیه شرایط این نیت عملی می‌شود. به عقیده نگارندگان این مقاله، پیشگیری از فرار با استراتژیهای مناسب، بهتر و موفقتر از کوششهای بعدی برای مهاجرت معکوس است. دولتمردان با اعطای تسهیلات مالی و منابع غیر مالی مناسب به نخبگان و فراهم کردن امکانات برای انجام تحقیقات در جهت شکل‌گیری ادراک عدالت توزیعی می‌توانند در کاهش روند مهاجرت نخبگان موثر واقع شوند.

عدالت احساسی حساسیت و نیاز به ملاحظه و توجه در نخبگان جامعه را نشان می‌دهد. میانگین ادراک عدالت احساسی ۲/۰۱ از مقیاس ۵ نمره ایست و ضریب تعیین رابطه معکوس آن با قصد مهاجرت نخبگان در حدود ۵۱٪ است؛ یعنی آزمونهای ما وضعیت موجود جامعه را از لحاظ احساسی عادلانه نمی‌بینند و این بعد از عدالت بیشترین تأثیر را بر قصد به مهاجرت آنها دارد. شاید بتوان ادعا کرد که استقرار عدالت احساسی از بقیه ابعاد عدالت بسیار مشکل‌تر است. باید در مواجهه با نخبگان به ظرفتهای احساسی آنها توجه شود و اینکه نیازهای آنها با دیگران متفاوت است. علاوه بر این امکان ملاقات کوتاه مدت از کشور و القای عدالت احساسی در طول سفر مکانیزم مناسبی برای بازگشت است. باید به این نکته توجه کرد که عده زیادی از مهاجرت‌کنندگان به دلیل اینکه سالیان متمادی از ایران دور بودند از نحوه ابراز توجه به احساسات نخبگان در کشوری اطلاع هستند و ایجاد شرایطی برای ملاقات کوتاه مدت از کشور موجبات تغییر نگرش ایشان را از کشور فراهم می‌کند که در افزایش روند

بازگشتشان مؤثر خواهد بود.

عدالت رویه‌ای نیازمند توجه کلیه اجزای حکومت است. علاوه بر دولت، مجلس و نهادهای حکومتی دیگر نیز باید به این مساله حساس باشند. میانگین ادراک عدالت رویه‌ای ۲/۱۴ از مقیاس ۵ نمره ایست و ضریب تعیین رابطه معکوس آن با قصد مهاجرت نخبگان در حدود ۴۶٪ است. ادراک نخبگان مورد آزمون در این تحقیق نشان می‌دهد که قوانین، مقررات و رویه‌ها در مورد همه به طور یکسان اعمال نمی‌شود؛ بعضی از افراد برابرتر از بقیه محسوب می‌شوند.

میانگین عدالت مراوده‌ای ۲/۴۳ از مقیاس ۵ نمره ایست و ضریب تعیین رابطه معکوس آن با قصد مهاجرت نخبگان در حدود ۳۷٪ است؛ یعنی آزمونهای ما وضعیت موجود جامعه را در مراودات و مبادلات اجتماعی عادلانه نمی‌بینند. انسانها زمانی به یک گروه و جامعه پای بند هستند که ترتیبات قراردادی آن جامعه در مبادلات اجتماعی عادلانه ادراک شود. نخبگان چنین احساسی از وضعیت موجود کشور ندارند و باید تدابیری برای این کار اندیشیده شود.

عدالت اطلاعاتی در اقتصاد دانش محور برای نخبگان بسیار حساس است. میانگین ادراک عدالت اطلاعاتی ۱/۶۶ از مقیاس ۵ نمره ایست که از همه ابعاد دیگر پایین‌تر است. با اینحال این بعد از عدالت در مقایسه با سایر ابعاد کمترین تأثیر را بر قصد مهاجرت نخبگان داشته است. این خود نکته‌ای است که در تحقیقات آینده می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. شاید عدالت اطلاعاتی به تنهایی نتواند علت مهاجرت نخبگان باشد ولی در کنار سایر ابعاد به تشدید آن کمک می‌کند. استراتژی بهبود دسترسی عادلانه به اطلاعات می‌تواند علاوه بر کاهش روند مهاجرت نخبگان، به تشویق نخبگان به بازگشت کمک کند. دولت و نهادهای اجتماعی می‌توانند اطلاعاتی ارزشمند و مفید در ارتباط با ایران و گزارشهایی مبنی بر بهبود شرایط جریان اطلاعات ارائه کنند که این گونه اطلاعات می‌تواند در ایشان تمایلی مبنی بر بازگشت به کشورشان را فراهم آورد.

باید به این نکته توجه داشت که عده‌ای از افراد بدلیل دشواری شرایط بازگشت، از برگشتن به کشورشان منصرف می‌شوند که می‌توان با اتخاذ تدابیری در جهت تسهیل این امر به بازگشت آنان کمک کرد. در پایان

[9]- Oteiza, Enrique "Emigration of Engineers from Argentina: A Case of Latin American Brain Drain". *International Labour Review*, xcii. 6, December, 1965.

[10]- Ozden, C. & Schiff, M. "International Migration, Remittances and the Brain Drain". A Co-Publication of the World Bank and Palgrave Mackmillan, Washington DC, 2006.

[11]- Lucas Robert E.B. "International Migration to the High Income Countries: Some Consequences for Economic Development in the Sending Countries". Boston University, March 12, 2004.

[12]- Ozden, C. "Brain Drain in Middle East and North Africa ñThe Patterns Under The Surface". Population Division Department of Economic and Social Affairs, United Nations Secretariat, Beirut, 2006.

[13]- Inkson, K., Carr, S.C., Edwards, M., Thorn, K., Jackson, D., Allfree, N., & Hooks, J. "From Brain Drain to Talent Flow: Views of Kiwi Expatriates". *University of Auckland Business Review*, Vol. 6, No.2, pp. 29-39, 2004.

[14]- Helou, M "Contingency Planning for Systems Evolution after Crisis: Reconstructive Brain Drain Policy-Oriented Implications - The Case of Lebanon, 1975-1994". *Journal of Contingencies and Crisis Management*. Vol. 3, P. 149, 1995.

[15]- پورعزت، علی اصغر، مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی، دانش مدیریت، شماره ۵۵؛ صص ۱۱۷-۸۳، (۱۳۸۰).

[16]- Greenberg, J. "Organizational Justice: Yesterday, Today, and Tomorrow", *Journal of Management*, Vol.16, pp.399-432, 1990.

[17]- Greenberg, J. & Lind, E.A. "The Pursuit of Organizational Justice: From Conceptualization to Implication to Application". In C.L. Cooper & E.A. Locke (Eds.). *Industrial and Organizational Psychology: Linking Theory with Practice* (72-108). Malden, MA: Blackwell, 2000.

[18]- Gilliland, S.W. & Chan, D. "Justice in Organizations: Theory, Methods, and Applications". In N. Anderson, D. S. Ones, H. K. Sinangil & C. Viswesvaran (Eds.), *Handbook of industrial, work and organizational Psychology* (vol. 2, pp. 143-165). London: Sage, 2001.

مجددا تاکید می شود دولت مردان نباید فقط به فکر بازگرداندن نخبگانی که مهاجرت کرده اند باشند چرا که اولویت با ایجاد شرایطی است که مانع خروج افراد مستعد برای مهاجرت از کشور شود. در حقیقت - در اینجا و اکنون - نخبگان موجود سرمایه های نقدی در کشور هستند در حالی که افراد مهاجرت کرده سرمایه های از دست رفته اند.

#### یادداشت ها

- 1- International Organization for Migration (IOM)
- 2- Brain Drain
- 3- Brain Hunting
- 4- Brain Gain
- 5- Brain Train
- 6- Organization for Economic Co- operation and Development (OECD)
- 7- Push Factors
- 8- Pull Factors

#### منابع و مأخذ

- [1]- Stark, O. "Rethinking the Brain Drain". *World Development* Vol. 32, No. 1, pp. 15-22, 2004.
- [2]- Nunn, A. "Academic and Skilled Migration to the UK and its Impacts on Africa". Report to the AUT and NATFHE, 2005.
- [3]- Branna, S. "Causes and Impact of Brain Drain in Africa". Paper Presented at Palacky University, Czeck Republic, 2006.
- [4]- Davenport, S. "Panic and Panacea: Brain Drain and Science and Technology Human Capital Policy". *Research Policy*. Vol.33, pp.
- [5]- IOM. "World Migration 2003: Managing Migration". (online publication). Geneva: International Organization for Migration, 2003.
- [6]- Lowell, B.L. and A. Findlay. "The Migration of Highly Persons from Developing Countries: Impact and Policy Responses". *International Migration Papers*. No.44. Geneva: International Labour Office, 2001.
- [7]- Royal Society. "Emigration of Scientists from the UK". Report of a committee appointed by Council of the Royal Society. London (1963).
- [8]- Grubel, H. B., & Scott, A. D. "The International ow of Human Capital". *American Economic Review*, No. 56, pp. 268-274, 1966.

- Millennium: A meta-Analytic Review of 25 Years of Organizational Justice Research". Journal of Applied Psychology, Vol.86, No.3, pp. 425-445,2001.
- [24]- Rego, Armenio and Cunha, M. "A Five-Dimensional Model of Organizational Justice". Documentos de Trabalho em Gestao, Universidade de Aveiro, DEGEI,2006,.
- [25]- Blakely, G.L., Andrews, M.C., & Moorman, R.H. "The Moderating Effects of Equity Sensitivity on the Relationship between Organizational Justice and Organizational Citizenship Behaviors". Journal of Business and Psychology, Vol.20, No.2, pp. 259-273, 2005,.
- [26]- Watanabe S. "The Brain Drain from Developing to Developed Countries". International Labour Review, No.4, pp. 401-433,1969.
- [19]- Colquitt, J.A. "On the Dimensionality of Organizational Justice: A Construct Validation of a Measure". Journal of Applied Psychology, Vol.86, No.3, pp. 386-400,2001.
- [20]- Adams, J. Stacey "Inequity in Social Exchange", in Berkowitz, Leonard (Ed), Advances in Experimental Social Psychology, Vol. 2, Academic Press, NY, pp. 267-299 ,1965.
- [21]- Lind, E. A. & Tyler, T. R., 1988. "The Social Psychology of Procedural justice". New York: Plenum.
- [22]- Cohen-Charash, Y. & Spector, P.E. "The Role of Justice in Organizations: A meta-Analysis". Organizational Behavior and Human Decision Processes, Vol.86, No.2, pp. 278-321, 2001.
- [23]- Colquitt, J.A., Conlon, D.E., Wesson, M.J., Porter, O.L.H. & Ng, K.Y. Justice at the

